

Unit 12 book 6

آراستن

آراستن چیزی به معنای زیباتر کردن آن با تزئین آن است.
مهره های کوچک شیشه ای گلدان را زینت داده اند.

سعادت

سعادت یک حالت خوشبختی کامل است.
هر وقت دوست دختر خود را می بیند ، احساس سعادت می کرد.

خدمتکار

خدمتکار مهمترین خادم مرد در یک خانه ثروتمند است.
هر وقت به چیزی احتیاج داشت ، زنگ می زد ، خدمتکار ظاهر می شد.

گرفتگی

گرفتگی دردی شدید است که پس از استفاده جسمی زیاد توسط عضله ایجاد می شود.
بعد از ماراتن ، جنی دچار گرفتگی شدیدی در عضله ساق پا شد.

فرسوده

وقتی یک ساختمان فرسوده باشد ، قدیمی است و در شرایط بدی قرار دارد.
رنگ از ساختمان فرسوده قدیمی آپارتمان پوست کنده شده است.

برانگیختن

برانگیختن یک خاطره یا احساس به معنای ایجاد آن است.
این تصویر خاطرات دورانی که مادر بزرگ یک دختر را برانگیخت.

بدرود

خدا حافظی مصداق خدا حافظی یا راهی برای گفتن آن است.
او پس از خدا حافظی سوار هواپیما شد.

شیر

شیر وسیله ای است که جریان مایعات یا گاز را کنترل می کند.
وقتی مسواک زدن تمام شد شیر آب را خاموش کنید.

کثافت

کثافت مقدار زیادی کثیفی یا چیزهای کثیف است که شما را بیزار می کند.
در ساحل رودخانه تن ها کثافت و زباله وجود داشت.

نقص

نقص در چیزی اشتباه است که باعث می شود از تأثیر یا صحت کمتری برخوردار شود.
ما یک نقص عمده در زنجیره فلزی را کشف کردیم.

تبسم کردن

تبسم کردن به معنای لبخند گشاد است.

این شوخی باعث می شود هر وقت می شنوم تبسم کردن بزنم.

خانه داری

خانه داری نگهداری از خانه یا موسسه ای مانند هتل است.

خانه داری خیلی سرگرم کننده نیست ، اما باید انجام شود.

تپه

تپه چیزی انبوهی از آن است.

روی کف خانه نوجوان بهم ریخته تلی از لباس وجود داشت.

بیحس

وقتی یک قسمت از بدن بی حس می شود ، هیچ احساسی ندارد.

بعد از گرفتن دستم زیر آب یخ زده ، انگشتانم بی حس شد.

بی پروا

وقتی افراد بی پروا عمل می کنند ، به روشی ناامن عمل می کنند.

راننده بی پروا تهدیدی برای بقیه در جاده بود.

سنگ لوح

اسلیت سنگی است به رنگ خاکستری تیره که به راحتی می توان آن را به لایه هایی تقسیم کرد.

سقف کلیسا از تخته سنگ بود.

صندلی مستراح

صندلی مستراح صندلی با پا است اما از پشت و بازوی فرد پشتیبانی نمی کند.

به نظر من نشستن صندلی روی مستراح خیلی راحت نیست.

گواهی

گواهی چیزی نشان می دهد که آن وجود دارد یا درست است.

اجرای زیبا شاهی بر استعدادهای طبیعی خواننده بود.

الوار

الوار چوبی است که برای ساخت خانه و ساخت مبلمان استفاده می شود.

درختان این منطقه به طور خاص برای استفاده از چوب پرورش داده می شوند.

شیر فلکه

سوپاپ وسیله ای است که به لوله ای متصل است و جریان مایع یا هوا را کنترل می کند.

مکانیک خاک را پاک کرد تا سوپاپ موتور پاک شود.

پیش خدمت

گرتا یک خانم مسن بود که در یک عمارت بزرگ و فرسوده تنها زندگی می کرد. این عمارت در شرایط وحشتناکی به سر می

برد. روی آن با پلییدی پوشانده شده بود و بیشتر مبلمان آن خراب بود. بعلاوه ، سینک آشپزخانه آب در سطح زمین نشت

می کرد. گرتا خیلی پیر بود که نمی توانست خانه داری کند و خودش را تعمیر کند ، بنابراین خدمتکاری ای به نام گوردون

استخدام کرد.

گوردون مردی جوان و عضلانی بود. عضلات وی گواه اخلاق قوی کار او بود. او معتقد بود که اگر سخت کار کند ، اتفاقات

عالی برای او می افتد. در روز اول خود ، او ساعتها مشغول تمیزکاری و تعمیرات بود. تپه های خاک را جارو کرد. او شیر زیر شیر آشپزخانه را محکم کرد تا نشتی متوقف شود. او حتی برای ساخت چهارپایه جدید آشپزخانه الوار خرید. او آنقدر سخت کار کرد که انگشتانش بی حس شد و گرفتگی در شانه هایش ایجاد شد.

گوردون هر روز سخت کار می کرد. حتی وقتی کارها خسته کننده بودند ، هرگز بی پروا نبود. او مطمئن شد که هیچ نقصی در کارش وجود ندارد. گوردون نگران بود که گرتا راضی نباشد. او هرگز اظهار تشکر نکرد یا نگفت که او کار خوبی انجام داده است. عدم قدردانی احساسات ناخوشایندی را در گوردون برانگیخت. او حتی به فکر ترک بود. اما او تصمیم گرفت که کار درست این است که سخت کار کند.

یک روز ، در حالی که گوردون جارو می زد ، گرتا گفت: "گوردون! برای شما یک سورپرایز دارم!" او به اتاق گرتا رفت و یک مجسمه تخته سنگ زیبا را دید. دقیقاً شبیه او بود! این تابلو با بنری تزئین شده بود که روی آن نوشته شده بود: "به خانه خوش آمدید."

گرتا گفت: "شما این عمارت قدیمی زشت را دوباره جدید به نظر رسانده اید. من از زحمات شما بسیار سپاسگزارم که می خواهم آن را داشته باشید. من به یک خانه کوچکتر نقل مکان خواهم کرد."

لبخندی زد و گرتا را در آغوش گرفت. او گفت ، "من سعادت دارم! سخت کوشی من واقعاً نتیجه داد!"

این دو خداحافظی کردند و گوردون بعدازظهر را با تحسین خانه جدید و زیبایش سپری کرد.